تحلیلی بوم‌زن‌گرایانه؛ آهوی بخت من گزل

نویسنده: دکتر داود خزایی

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



چکیده

افسانه‌ی آهوی بخت من، گزل نوشته‌ی محمود دولت‌آبادی، اثری کوتاه و چندلایه است که فراتر از روایتی حیوان‌محور، به تحلیل پیوند نمادین میان زن و طبیعت می‌پردازد. این تحلیل با تکیه بر نظریه‌ی بوم‌زن‌گرایی (Ecofeminism)، پیوند میان ستم بر زنان و ستم بر طبیعت را در این داستان واکاوی می‌کند. در این اثر، اتحاد زن و طبیعت در برابر ساختارهای سلطه‌جویانه‌ی مردسالارانه، هسته‌ی معنایی متن را می‌سازد. با بررسی شخصیت‌ها، نمادها و فضاهای داستان، در می‌یابیم که گزل نه تنها یک شخصیت روایی، بلکه استعاره‌ای از بخت، مقاومت و نیروی بازآفرینی است.

۱. آغاز سخن

آهوی بخت من، گزل (۱۳۶۷) از جمله آثار کوتاه محمود دولت‌آبادی است که با لحنی افسانه‌گون، مسائل بنیادین انسانی و اجتماعی را مطرح می‌کند. داستان، با همسان‌سازی نام یک زن و یک آهو، رابطه‌ای عمیق میان آن‌ها برقرار می‌کند و به ما امکان می‌دهد آن را از منظر بوم‌زن‌گرایی تحلیل کنیم. این رویکرد به ویژه در ادبیات فارسی، بستر مناسبی برای بررسی دغدغه‌های نویسنده دربارهٔ ستم بر طبقات فرودست و تخریب طبیعت فراهم می‌کند.

۲. چارچوب نظری: بوم‌زن‌گرایی

بوم‌زن‌گرایی را فرانسواز دوبون (Françoise d'Eaubonne) در دههٔ ۱۹۷۰ مطرح و بر هم‌ریشگی ستم بر زنان و تخریب طبیعت تأکید کرد. مهم‌ترین کار او، معرفی و ترویج این مفهوم در کتابش به نام فمینیسم یا مرگ (نک. منابع) در سال ۱۹۷۴ بود. این نظریه معتقد است که نظام‌های فکری و ساختارهای مردسالار، زنان و طبیعت را منابعی برای

بهره‌کشی می‌دانند و از طریق منطق «دوگانه‌انگاری سلطه‌گرانه» به آن‌ها ستم می‌کنند. در این دیدگاه، «مرد» با «فرهنگ» و «عقل» برابر شمرده می‌شود، در حالی که «زن» با «طبیعت» و «احساس» هم‌ذات‌پنداری می‌شود. این دوگانگی به مردان حق تسلط بر زنان و طبیعت را می‌دهد. بوم فمینیسم ساختارهای مشترک سلطه‌ای را شناسایی می‌کند که ستم بر زنان و استثمار طبیعت را به یکدیگر پیوند می‌دهند. این رویکرد از ذات‌گرایی بیولوژیک فراتر رفته و به سوی چارچوبی انتقادی، تقاطعی (Intersectional)، و دارای بنیان سیاسی تکامل می‌یابد که به جای دوگانگی‌های سلسله‌مراتبی، بر عدالت، تنوع، و عقلانیت بازتعریف‌شده تأکید می‌کند. (برای بررسی بیشتر نک. Garrard, 2004, pp.23–27؛ Shiva, 1988, chapters 3&4). از این منظر، داستان آهوی بخت من، گزل تلاشی‌ست برای به چالش کشیدن این دوگانه‌انگاری.

۳. تحلیل بوم‌زن‌گرایانه‌ی داستان

۳.۱. گزل: نماد یگانگی زن و طبیعت

نام «گزل» هم برای آهو و هم برای زن جوانی که او را از دست شکارچیان نجات می‌دهد، به کار می‌رود. این هم‌نامی صرفاً اتفاقی نیست، بلکه بیانگر یگانگی وجودی و سرنوشت مشترک زن و طبیعت است. آهوی داستان، گزل، با هوش و تجربه خود، خطرات آینده را پیش‌بینی می‌کند و اضطراب دائمی مادرانه را تجربه می‌کند؛ اضطرابی که ریشه در آگاهی او نسبت به طبیعت خشن و سلطه‌جویانه‌ی دنیای مردانه دارد. این شخصیت‌پردازی، پیوندی عمیق میان بدن زنانه (بدن گزل) و بدن طبیعت (آهو و دشت و جنگل) برقرار می‌کند. هر دو در برابر تهدید نیروهای سلطه‌گر آسیب‌پذیر هستند و هر دو در نهایت از طریق نیروی درونی و اراده به بقا، مقاومت می‌کنند.

۳.۲. سوار ارغوانی / سلطان: تجسم قدرت مردسالار

شکارچیان، به‌ویژه سوار ارغوانی / سلطان، در داستان نه فقط شخصی منفرد، بلکه نمادی از ساختار قدرت مردسالارانه است. میل سوار ارغوانی به شکار «زنده»ی گزل با کمند، به جای استفاده از تیر، تأکیدی بر میل به تملک، به اسارت در آوردن و نمایش سلطه است. این رفتار نشان‌دهنده‌ی دیدگاهی است که زنان و طبیعت را دارایی و منابعی برای تصاحب و کنترل نگاه می‌کند. سلطان، رأس هرم قدرت سیاسی و اجتماعی، نماد این سلطه است که آرامش طبیعت را برهم می‌زند. در این تحلیل، شکار، دیگر فقط عملی برای بقا نیست، بلکه استعاره‌ای است از استثمار و ویرانگری نظام‌مندی که به دنبال سرکوب هر آنچه «زنانه» و «طبیعی» است.

۳.۳. تخریب فضاهای طبیعی: تجاوز به طبیعت

دشت و جنگل که در آغاز داستان پناهگاه و مأمن امن برای گزل و آهوبره‌هایش هستند، با یورش سواران لگدکوب و سوخته می‌شوند. این تخریب صرفاً یک حادثه‌ی محیطی نیست، بلکه معادل تجاوز به طبیعت است. در نقد بوم‌زن‌گرایانه، نابودی فضاهای طبیعی و ستم بر زنان از ریشه‌ای مشترک، یعنی تفکر سلسله‌مراتبی و مالکیت‌گرایانه‌ی مردسالار، نشأت می‌گیرد. این تصویر ویران‌شده از دشت، بازتابی از سرکوب و آسیب‌هایی است که به پیکره‌ی زنانه و طبیعت وارد می‌شود.

۳.۴. بانوی بخت و نیروی بازآفرینی

یاد دختر جوان (گزل) که آهو را نجات داده، به آهو نیرو می‌دهد تا از دام آتش بگریزد. این «بانوی بخت» نمادی از نیروی رهایی‌بخش زنانه و همبستگی میان زنان است. گویی بخت در این داستان، یک امر جبری و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه نیرویی است که با اراده‌ی زنانه و اتحاد زنان، امکان بازآفرینی سرنوشت را فراهم می‌کند. گزل (دختر) به

آهوبره‌ها می‌رسد و وظیفه‌ی مادری آنها را به‌عهده می گیرد که بازتابی از نیروی زندگی، تداوم حیات و مسئولیت‌پذیری است. این پایان، هرچند از حیث تخریب طبیعت تلخ است، اما حاوی امیدی به باززایی و مقاومت در برابر سلطه است.

۴. فرجام سخن

از منظر بوم‌زن‌گرایی، داستان «آهوی بخت من، گزل» بیانیه‌ای عمیق درباره‌ی ستم مشترک بر زنان و طبیعت است. دولت‌آبادی با همسان‌سازی سرنوشت زن و آهو، نشان می‌دهد که این دو نه تنها قربانیان یک ساختار سلطه‌اند، بلکه می‌توانند با همبستگی و نیروی درونی خود، امکان بازآفرینی بخت و سرنوشت خود را فراهم کنند. این داستان، به خواننده یادآوری می‌کند که حفاظت از طبیعت و رهایی از ستم، دو روی یک سکه هستند و هر دو نیازمند مقاومت و آگاهی هستند.

منابع

دولت‌آبادی، محمود. آهوی بخت من گزل. تهران: نشر چشمه، 1367.

d’Eaubonne, Françoise. Le Féminisme ou la mort. Paris: Pierre Horay, 1974.

d’Eaubonne, Françoise. Feminism or Death. Translated by Ruth A. Hottell. London: Verso Books, 2022.

Garrard, Greg. Ecocriticism. London: Routledge, 2004.

Shiva, Vandana. Staying Alive: Women, Ecology and Development. London: Zed Books, 1988.

[1] دکتری زبان و ادبیات انگلیسی.